



## تریت اراده

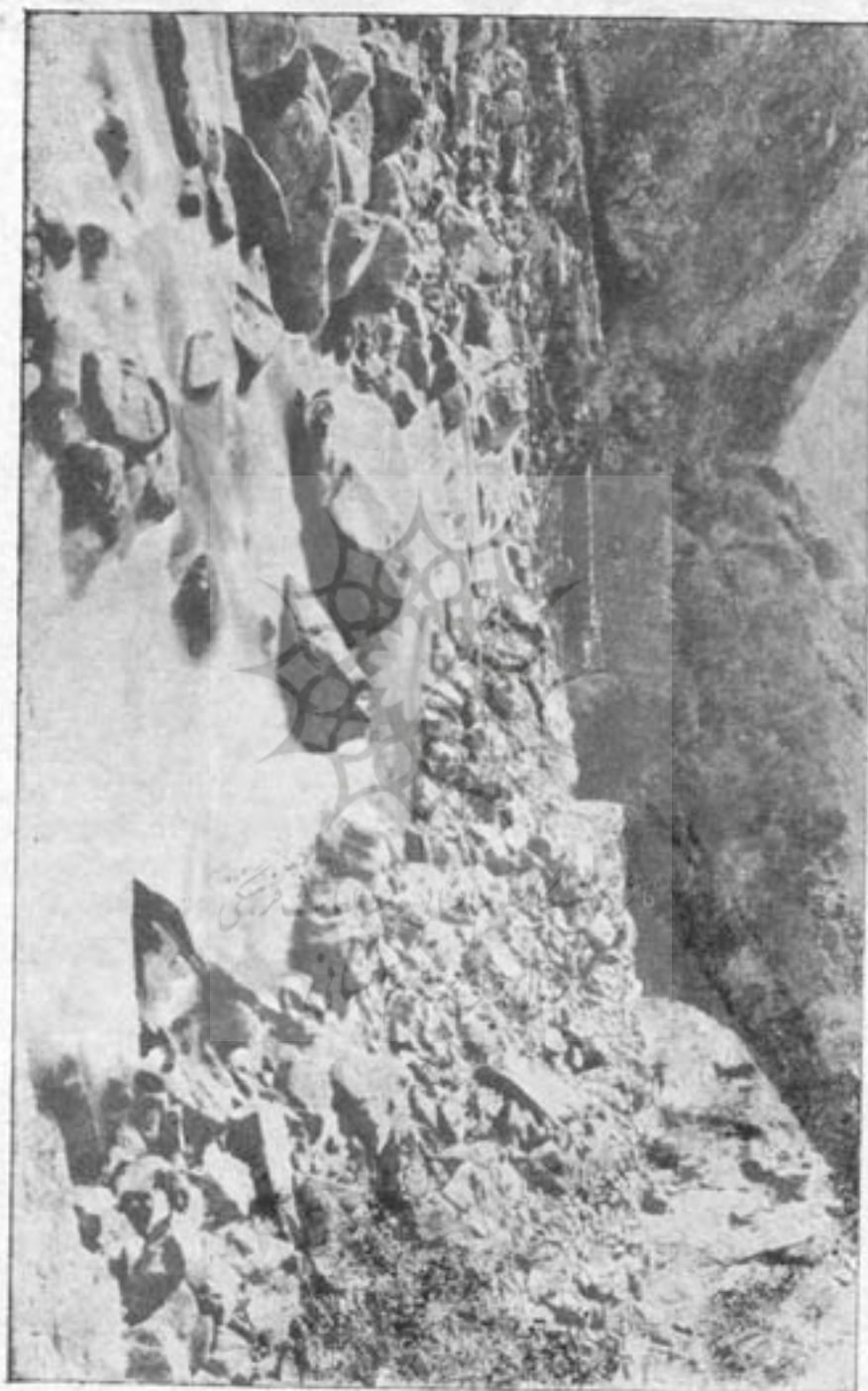
ترجمه عماد الدین یسغان

تفصیل کتاب مولفه جورج یوانه

مؤلف این کتاب شخص فکور و ادیب و دروای و شاعر نابغه ایست که در عین زمان مدیر مکتب صنایع بوده و از زمره مهندسان سبب میخائیلکی هم شمرده می شود. مشار الیه با عقل نقاب و اراده متین خود این دو عمل را با هم جمع نموده، و هم از خلاصه تجارب عدیده خویش این کتاب مفید را تالیف کرده است.

\*\*\*

تقدم مدنیست یا عدم آن هر بوط به تنازع نیست که همیشه بین عقل و امیال مختلفه نفسی انسانها جاری میباشد و اغلباً شهوات <sup>علم</sup> طاغیه که دفع آن خالی از اشکال نمی باشد بر عقول تسلط و حکمرانی مینماید هر گاه شخصی از طغیان هوا و طوفان شهوات خود جلو گیری نموده توانست و عقل او بر امیال و شهواتش غالب آمد و نفس او از حالت اسفل بهیمی به عالم علوی فکر و روح ارتقا یافت حتماً همچو افراد بدرجه عالی انسانیت بلند گردیده از قیود غرائز حیوانی نجات می یابد و مشاعر او مهذب میشود. این قدرت که بواسطه آن انسان خود را از قیود غرائز حیوانی نجات داده میتواند بواسطه ترین معانی اراده گفته می شود. زیرا زندگی گمانی مادر عالمیست که تمام مشتههات آن ما را بطرف استلذاذ و تمتع با عدم خیرت از عاقبت الامر آن سوق میدهد، هر گاه ما جلو و تمنان غرائز



یکی از مناظر فرح بخش سالنگه

نگرفته و امیال و شهوات خود را تحت قیود و تهذیب نیاریم و ملکات فاضله عقل و روح خود را به زبر سلطه این دواعی شر بسیاریم البته مشاعر و قوای معنوی ما منحط گردیده و بلکه فنا می شود و درین حال عاجز میگردیم از ادا کردن واجبات و فرائض ذمه خود یعنی آن فرائضیکه جامعه انسانی و قوانین مدنیت و تطور اجتماعی بر عهده ما گذاشته است .

درین حال بدو امر مخیر میباشیم که با باز جوع نمودن بعادات و اخلاق و اسلوب تفکر خود زیر تاثیر مجرد و غرائز آمده از عالم مدنیت جدا شویم و روابط ذات البنی خود را با جامعه که دائماً معروض تطورات اجتماعی است قطع نهائیم و با اینکه بقدر وسع خود بر این غرائز سلطه خود را قائم کنیم و جرائم فاسده او را از ریشه برکنیم تا در همه شئون اجتماعی و تطور و ارتقای آن سهم و شریک گردیده و شخصیت فانی ما در سعی باقی پایدار ماند .

و قوی انسان قوت اراده را در وجود خود احساس مینماید که شخصیت خود را متفوق و عالی و قوی به پندارد و بسوی اعوان و اعداء و قنور طبیعت خویش فکر نه نماید بد بهیست مساعی خستگی ناپذیر و برای آنکه بستی نوع انسان از بد و خلقتش تا کنون چه در نشر مدنیت و معارف و علوم و فنون و چه انتقال از حیات و زندگی گانی سموج ها و غارها بدوره عمران و مدنیت ابراز نموده همه در سایه عزم و اداره بوده است و عزم و اداره از شخصیت متفوق و عالی انسان نشئت میکند و شخصیت عالی که دارای عقل سلیم و کامل میباشد بواسطه عقل و تدابیر صحیح بر غرائز حیوانی بنفس خویش غالب می آید و آنرا به حالت اعدال می آورد و عقل دیگر قوای معنوی را برای مبارزه میگرداند و اما سیادت عقل بر غرائز و شهوات سهل لامکان نیست مگر بواسطه یک نوع ممارست و تمرین و تربیت خاص و این تنها کافی نیست

و نمیشود که انسان بگفتن و آرزوی محض طغیان و تمرد شهوات را دفع کرده امیال را تحت سلطه عقل خویش آورده بتواند بلکه لازم است که بطریق و اسلوب خاص و نافع قوای ارادی خود را تربیت نماید .

زندگانی انسان مرهون تربیت اراده است که بیهم آن ترا ترقی بدهد و در مواقع مختلف به تنفیذ و تطبیق قوای اراده در امور حیاتی خود بکوشد تقدم و ترقی غیر بیان بر شرفیان ازین باعث است که اکثرأً غیر بیان زندگانی خواب آلود را مثل شرفیهانه پسندیده و بلکه حیات ایشان بقواعد معینه بومیه تطبیق میشود ، این نظم و نسق دقائق و اوقات زندگانی اراده او شانرا تربیت نموده و عقول شانرا بر شهوات شان حاکم می سازد .



### اصول تربیت اراده

مؤلف آن عوامل تربیت اراده را که انسان را قادر می دهد به ادا کردن امور مهمه و وظائف انسانی ناسرچندال فیو غ در قواعد آتیه بیان میکند .

اول : - شناختن قیمت وقت به معرفت عمیق مشترک که نفس و احساس بر ما لازم است . تا اوقات خود را بیهوده صرف نکنیم و عمر خود را ضایع نگردانیم .

دوم : - باید با معرفت تامه بدانیم که مقصد و مرام مادر زندگانی چیست و چه چیز را نجس مینمائیم و آیا این مقصد و مرام ما با استعداد ذاتی موافقت دارد یا نه ؟ برای این معرفت لازم است که بواسطه افکار غیر نفس خود را ملاحظه نمائیم که با فکر علیحده شخصیت خود را بدانیم و هدف مرام خود را بشناسیم .

سوم : - وقتیکه ما شخصیت خود را از روی بصیرت ادراک نمودیم و هم برای

بدست آوردن مقصد معین فکر ما استقرار یافت و آنکه واجب است که با جراء و عملی نمودن آن کوشش نهائیم .

چهارم :- لازم است که حیات ما مشتمل باشد بر چند قسمت که مهمترین آنرا تقسیم عمل و تقسیم اوقات عمل و اوقات ریاضت و اوقات استراحت را در بر گیرد .

پنجم :- لازم است که هر کار را در وقت آن انجام بدهیم و يك کار را وقت دیگر به نهائیم .

ششم :- باید با پروگرام بومیه کارهای خود را کاملاً تطبیق نموده اجرا کنیم و تا حین شدت مرض از اجرای این پروگرام روگردان نباشیم .

هفتم :- باید فوائد ریاضت بومیه را دانسته و درین باب بکوشیم ، زیرا این ریاضت اراده ما را تربیت مینماید و قوای ما را نشاط می بخشد و روح ما را بیدار میکند و برای کار ما توانا تر و جوی مسازد و حتی که سنگینی و ثقلت هیچ کار را احساس نموده و خسته نشویم .

هشتم :- در وقت استراحت باید خاطر ما از اندیشه ها و افکار متنوعه فارغ باشد .

زیرا این وقت که برای تجدید قوا و راحت و آرامی عقل و روح مخصوص می باشد هر گاه بامور لایعنی دیگر مصروف شود گویا يك حصه از اوقات عزیز خود را تلف میکنیم و ازین باعث برای ما متاعبی یدامی شود که اجسام و ابدان ما را نحیف و عقول ما را ضعیف و کمزوری سازد و آثربدی در اعمال ما بعد ماییدامی شود .

نهم :- باید مومن باشیم و باور کنیم که انسان به معاونت الله تعالی جل ذکره به اجرای هر فعلیکه اراده کند قدرت می یابد اما موانع و مشکلاتی که برای

جلو گیری از پیشرفت انسان واقع می شود ولو هر قدر باشد تذلیل آن با صبر و ثبات و سعی و کوشش ممکن می باشد .

دهم :- باید شهوات و ملاذات متطوفه را با مال نموده و یقین کنیم که لذت عمل بهترین لذات بوده و بهره مندی از جهاد بهترین تمتعات است هنگامیکه اعمال خود را در داخل نظم و نسق آورده و اجراء نمودیم با نتیجه میفهمیم که لذت عمل بلندترین لذات است .

یازدهم :- هر گاه تا اندازه باین قواعد طریق عمل و کار را طی کردیم و نتیجه را جمع به وصول مقاصد بدست ما نماید باید که امید های ما بیأس مبدل نشود و همچنان سعی و ثبات و استقامت و رزیم تا گوهر مقصود را بچنگ آریم زیرا که مثل اعلی جوهر میشود تحقیق است با مرور زمان و مواصلت عمل ( ذاتاً عبقریت عبارت از صبر طولانی است مثلیکه دانشمند بوفون گفته است )

دوازدهم :- باید عقیده را منع داشته باشیم که در کتب جبلت هر يك از ما شخصیت ماکمل و بزرگی پنهان است و با اعمال ظهور این شخصیت موقوف است به شرایط و استطاعت به تربیت اراده با مرور زمان -

این مهمترین قواعدیست که مؤلف به تطبیق و متابعت آن وصیت نموده و البته شبهه نیست که تطبیق و اجرای این قواعد برای تمام افراد مفید میباشد و هر فرد میتواند که موافق استعداد طبعیت خویش بعضی از این قواعد را اختیار و اجراء کند - مؤلف به ضرورت و متابعت این طریق برای تربیت اراده استشهاد نمود . با افراد بزرگیکه ارباب اراده بوده اند .

میگویند ( وای تو نویو ) شاعر ایتالوی در تمام عمر خویش چهار مرتبه پس از وقت

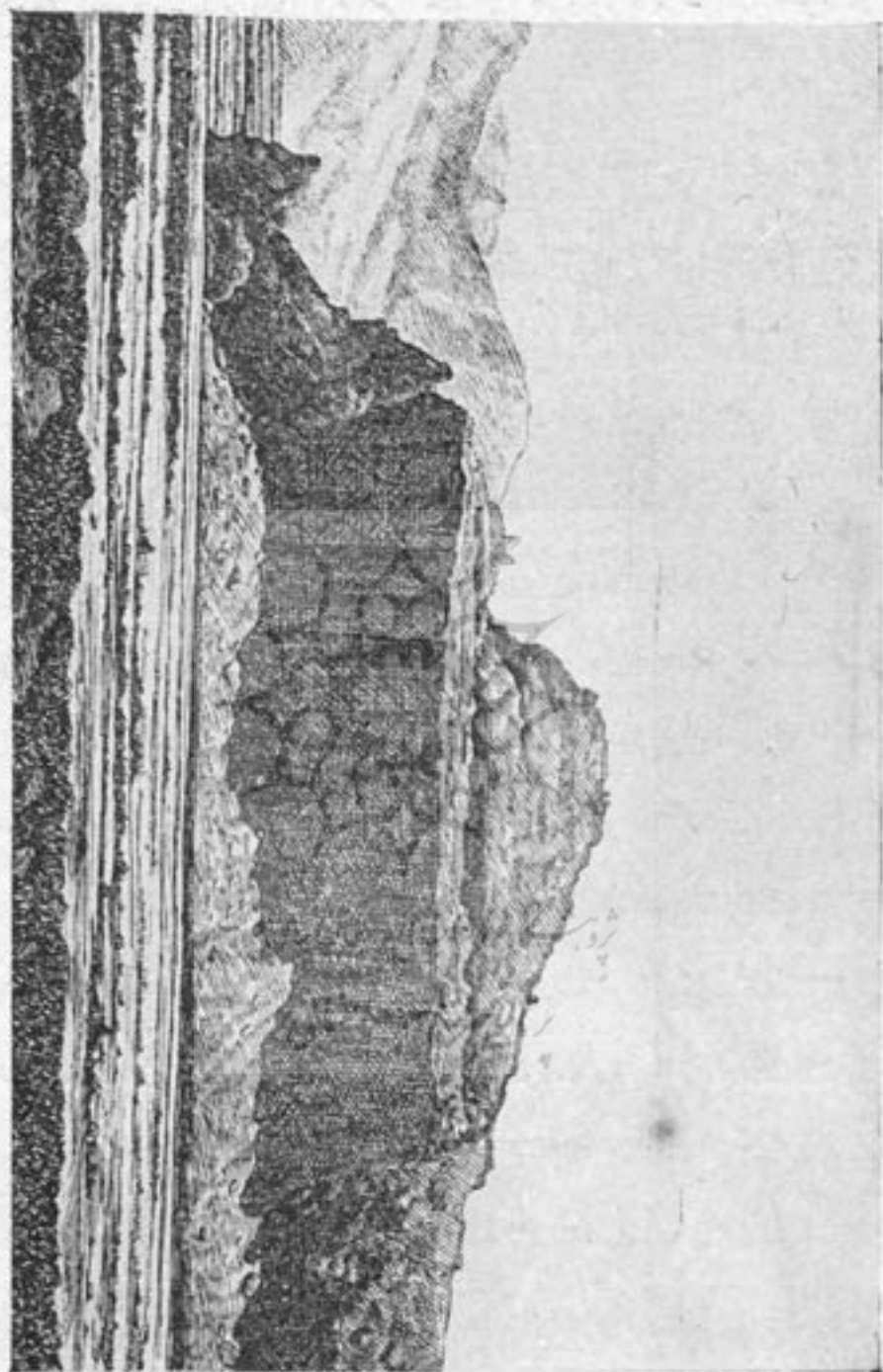
معینه در دفتر خود رسیده و در تمام عمر خویش هر روز ده ساعت متوالی و بیهم کار کرده است

ناپلیون در تقسیم ساعات عمل و معرفت قیمت وقت شخص عبقری بود و میگویند امیل ژولا در اوقات معینه کار هیچ نوع دعوات رسمی و غیر رسمی را قبول نمی نمود و در ساعات معینه کار بیهم کار میکرد و اگر احیاناً کدام حادثه قسمتی از اوقات کار او را ضایع و تلف مینمود باندازه زیاد غمگین می گردید و حتی گریه میکرد.

### ارادة الله تعالى

عادتاً طبیعت در حرکت دائمی و پیدا کردن مستمر میباشد اگر به معرفت الله تعالى قصد کنیم می شناسیم که ذات اقدس الهی جل ذکره صاحب اراده عظیمیست که قرار وضعیت و خستگی به اراده ذات اقدس راه ندارد الله تعالى عامل و فعال و مدبر عظیم است که دائماً بار اداء و مشیت ازلی خویش در خلق نمودن و پیدا کردن است و قتی که ما به قدرت و فعالیت ما بشارتی الله تعالى شناسا و عارف گردیده و بان اعتراف مینمائیم پس واجب است بر ما که موافق سنت الله تعالى تار و پود و قوای بدنی و اخلاقی و عقلی و روحی خود را به بیکاری و ذلت محو و فاسد نگردانیم و از استعداد ذاتیه خویش که اصل وجود و موجودیت ما شمرده می شود دور نشویم و اگر خدا نخواسته چنین شویم از معرفت ذاتی خویش بیگانه شده و از معرفت الله تعالى هم دور میشویم





خرابه شهر سحاک که فریب ۱۸ میل از ایمان فاصله دارد .